

امام حسین (ع) در قرآن

مصطفی آخوندی

عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

در این مقاله آیاتی که در شأن و منزلت امام حسین (ع) نازل شده، جمع‌آوری و با روایات امامان معصوم (ع) مستند گشته است. آیات به دو دسته تقسیم می‌شوند، یک دسته از آیات قرآن، در شأن ائمه اطهار و حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) نازل شده و دسته دیگر بر امام حسین (ع) و واقعه عاشورا تطبیق داده شده است. کلیدواژه‌ها: قرآن، امام حسین (ع)، شأن نزول.

مقدمه

انّ الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة

امام حسین (ع) با تقدیم تمام هستی خود و قربانی بهترین عزیزانش در راه دوست، چراغ پر فروغ هدایت و کشتی نجات بشریت شد، و خداوند به او عظمتی بخشید که به کسی اعطاء نکرد، تا آنجا که تربت پاکش را شفای دلها و بیماری‌ها قرار داد. نگارنده این سطور بر آن شد به کنکاش در آیات قرآن بپردازد و آیاتی را که به شأن و منزلت امام حسین (ع) در ارتباط است با استناد به روایات معصومین (ع) شناسایی کند. آنچه در پیش رو در این مقاله می‌بینید، مجموعه‌ای از این آیات است که یا در شأن امامان معصوم و ابا عبدالله الحسین (ع) نازل شده و یا بر آن حضرت تطبیق می‌کند.

۱. قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ. (شوری: ۲۳)

بگو: من هیچ پاداشی بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [= اهل بیتم].

از آیاتی که عظمت مقام امام حسین (ع) از آن استفاده می‌شود این آیه شریفه است. که طبق نقل روایات بسیاری از شیعه و اهل سنت در مورد اهل بیت (ع) نازل شده است. مثلاً از طرق اهل سنت، احمد بن حنبل، ابن منذر، ابن ابی حاتم، طبرانی، ابن مردویه و گروهی دیگر از علماء اهل سنت از ابن عباس روایت کرده‌اند:

«آنگاه که آیه: **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ...** نازل شد، گفتند: ای پیامبر خدا، این خویشان (قربی) تو که مودت و دوستی آنان بر ما واجب گردیده کیانند؟ آن حضرت فرمود: علی و فاطمه و دو پسر آنها [حسن و حسین]»^۱

۲. إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. (احزاب: ۳۳)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. آیه دیگری که بر عصمت و جلالت شأن ابا عبدالله الحسین (ع) دلالت می‌کند، آیه تطهیر است. کلمه «انما» در آیه شریفه انحصار خواست خدا را می‌رساند، و می‌فهماند که خداوند خواسته رجس و پلیدی را تنها از اهل بیت دور کند و آنان را تطهیر نماید و به آنها عصمت دهد.^۲ سؤال: مراد از «اهل البیت» کیست؟

علامه طباطبایی در پاسخ به این سؤال می‌فرماید: «کلمه اهل البیت در عرف قرآن کریم اسم خاص است که هر جا ذکر شود، مراد پنج تن هستند، یعنی: رسول خدا (ص)، علی، فاطمه و حسن و حسین (ع) و بر هیچ کس دیگر اطلاق نمی‌شود، هر چند که از خویشان آن حضرت باشند. و بردن انواع پلیدی‌ها و ذایل، با عصمت الهی منطبق می‌شود و آیه شریفه یکی از ادله عصمت اهل بیت به شمار می‌آید.»^۳

بیش از هفتاد روایت از طرق اهل سنت و شیعه در شأن نزول آیه وارد شده که مراد از «اهل البیت» در آیه شریفه، پنج تن آل عبا می‌باشند.^۴

به سه روایت اشاره می‌کنیم:
عایشه می‌گوید: پیامبر (ص) بامدادی در حالی که عبايي از بُردِ یمانی بر دوش داشت، بیرون آمد. پس حسن آمد پیامبر او را داخل برد نمود. پس حسین آمد و داخل برد شد، پس

فاطمه آمد و پیامبر (ص) او را داخل برد کرد. پس علی (ع) آمد و او را نیز داخل برد کرد،
 آنگاه گفت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۵

ام سلمه می گوید: پیامبر (ص) به فاطمه فرمود: همسر و پسرانت را نزد من بیاور. فاطمه
 آنان را حاضر کرد، رسول خدا (ص) کساء فدکی را بر آنان پوشاند و دستش را برایشان
 گذاشت و فرمود: «اللهم إن هولاء آل محمد فاجعل صلواتك وبركاتك على آل محمد إنك حميد
 مجيد؛ خدایا اینان آل محمد هستند، پس درود و برکات خود را بر آل محمد قرار بده، به
 درستی که تو حمید مجیدی.»

ام سلمه می گوید: من کساء را بلند کردم تا بر آنها داخل شوم، پیامبر (ص) آن را نگاه
 داشت و فرمود: «إِنَّكَ عَلَى خَيْرٍ؛ تو بر خیر هستی [اما جزو آل محمد نیستی].»^۶

در روایت دیگر آمده است که پیامبر (ص) دستش را از کساء بیرون آورد و اشاره به
 آسمان کرد و گفت: «اللَّهُم هُولَاءِ أَهْلِ بَيْتِي، وَحَامَتِي أَيْ خَاصَّتِي فَادْهَبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ
 تَطْهِيرًا؛^۷ خدایا اینان اهل بیت و خاصان من هستند، پس رجس و پلیدی را از اینان دور کن و
 پاکیزه شان گردان.»

۳. فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَأَبْنَاكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ
 وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ. (آل عمران: ۶۱)

هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز
 برخیزند، به آنها بگو: «بیایید ما فرزندان خود را دعوت می کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما
 زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از
 نفوس خود، آنگاه مباحله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

آیه مباحله به اتفاق مسلمانان بر فضیلت و مقام سید الشهداء دلالت می کند. در این آیه
 خداوند به پیامبرش دستور می دهد که هرگاه پس از استدلالات روشن، کسی درباره عیسی
 با تو گفتگو کند، و به جدال برخیزد، به او پیشنهاد مباحله [= نفرین و دعا] کن تا خداوند
 دروغگو را رسوا سازد.^۸

بر این اساس رسول خدا (ص) با مسیحی های نجران قرار مباحله گذاشتند.

آیه مباحله در حق اهل بیت پیامبر (ص) نازل شده و آن حضرت تنها کسانی را که همراه
 خود به میعادگاه برد فرزندانش حسن و حسین و دخترش فاطمه (س) به همراه علی (ع) بودند.

بنابراین مراد از «ابناءنا» در آیه شریفه منحصر به امام حسن و امام حسین (ع) و «نساءنا» فاطمه زهرا (س) و «انفسنا» علی (ع) می‌باشد و روایات دالّ بر این مطلب به حدّ تواتر نقل شده است.^۹

امام موسی بن جعفر (ع) پس از قرائت آیه شریفه فرمود:

«... فَكَانَ تَأْوِيلُ ابْنَاءِنَا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَنِسَاءِنَا فَاطِمَةَ وَانْفَسَنَا عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)»^{۱۰}

یعنی؛ پس تأویل پسران ما، [امام] حسن (ع) و [امام] حسین (ع) و زنان ما، فاطمه (س) و نفوس ما، علی (ع) می‌باشد.

شرکت علی، فاطمه، حسن و حسین (ع)، در مباحله به امر خداوند، دلیل بر عظمت مقام این چهار نور مقدس دارد، که شایسته‌ترین و گرامی‌ترین خلق خدا نزد پیامبر (ص) بودند. این از فضایل بزرگ امام حسین (ع) است که در چنین مراسم با اهمیت و تاریخی بزرگی همکار و همراه پیامبر خدا (ص) شود و از میان تمام خلق، او و برادر و پدر و مادرش انتخاب شوند.^{۱۱}

مسیحیان در روز میعاد همین که دیدند پیامبر خدا (ص) فرزندش حسین را در آغوش دارد و دست حسن را گرفته و علی و فاطمه همراه او هستند، سخت به وحشت افتادند و از مباحله صرف نظر کردند و حاضر به مصالحه و پرداخت جزیه شدند.^{۱۲}

۴. فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ. (بقره: ۳۷)

در روایات متعددی از طرق اهل بیت (ع) وارد شده که مقصود از «کلمات» تعلیم اسماء بهترین مخلوقات خدا یعنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) بوده است. و حضرت آدم (ع) با توسّل به این کلمات از درگاه خداوند تقاضای بخشش نمود و خداوند او را بخشید از جمله این روایت است:

هنگامی که آدم، ساق عرش و نامهای پیامبر و ائمه (ع) را دید، پس جبرئیل بدو تلقین کرد و او گفت: یا حمید بحق محمد، یا علی بحق علی، یا فاطر بحق فاطمه، یا محسن بحق الحسن و الحسين و منک الاحسان. پس چون امام حسین (ع) را یاد کرد اشکهایش جاری شد و قلبش فروتن گشت و گفت: ای برادرم جبرئیل! چه می‌شود که با یاد پنج‌مین فرد، قلبم می‌شکند و اشکم جاری می‌شود؟ جبرئیل گفت: این فرزند تو به مصیبتی دچار می‌شود که تمام مصیبت‌ها در

مقابل آن کوچک است. آدم پرسید: برادرم، آن (مصیبت) چیست؟ گفت: تشنه و بی کس و تنها کشته می شود و او را یار و یاور نیست. و ای آدم! کاش او را می دیدی که می گوید: آه از تشنگی آه از کمی یار و یاور! تا آن که عطش بین او و آسمان چون دود جدایی می اندازد. در آن هنگام هیچ کس پاسخی به وی نمی دهد جز آنکه شمشیر بر او می کشند و می خواهند مرگ به کام او ریزند. بعد از آن همچون گوسفند از پشت، سر از پیکرش جدا می سازند و دشمنانش به چپاول زاد و راحله او می پردازند، و سرانجام سر او و یارانش را در شهرها می گردانند. در حالی که بانوان (حرم) را نیز با خود (به اسارت) دارند. این چنین در علم خدای یگانه منان گذشته است. پس آدم و جبرئیل (علیهما السلام) همچون مادر فرزند مرده، (بر این مصیبت عظمی) گریستند.^{۱۳}

۵. وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ (بقره: ۱۲۴)

و آن هنگام که ابراهیم (ع) را پروردگارش به کلماتی آزمود پس آنها را به پایان رساند. از امام صادق (ع) سؤال شد مقصود از این کلمات چیست؟ فرمود: آنها کلماتی بودند که آدم (ع) از پروردگارش فرا گرفت و به واسطه آنها توبه او پذیرفته شد و آن کلمات اینها بود.
يَا رَبِّ اسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِلَّا تُبِتَ عَلَيَّ، فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ.

پروردگارا! تو را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین می خوانم که بر من ببخشایی. پس خداوند او را بخشید که او توبه پذیر و بخشنده است.

آنگاه سؤال شد، یابن رسول الله «فاتمه» چیست؟ فرمود: «یعنی اَتَمَّهُنَّ إِلَى الْقَائِمِ (ع) اثْنِي عَشَرَ إِمَاماً تَسَعَةً مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ (ع)» یعنی آن کلمات را به قائم (ع) به پایان رساند، و آنان دوازده امام می باشند که نه نفر آنان از نسل حسین (ع) هستند.^{۱۴}

۶. إِنَّ أَوْلَىٰ آلَ اللَّهِ أَصْطَقَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (آل عمران: ۳۳)

به حقیقت، خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزیده است. در روایات متعددی از اهل بیت رسیده که به این آیه شریفه بر عصمت انبیاء و امامان (ع) استدلال شده است، زیرا هرگز خداوند افراد گنهکار و آلوده به شرک و کفر و فسق را بر نمی گزیند.^{۱۵} و امام حسین (ع) بر منزلت و مقام خود به این آیه استدلال کرده است.

در روز عاشورا محمد بن اشعث (از فرماندهان لشکر عمر سعد) به امام حسین (ع) گفت: ای حسین پسر فاطمه! کدام منزلت و برتری از پیامبر خدا (ص) در شماست که در دیگری وجود ندارد؟ امام (ع) آیه ان الله اصطفى آدم... را قرائت کرد و فرمود: به خدا قسم، پیامبر اکرم (ص) از خاندان ابراهیم (ع) و عترت هدایتگر از خاندان پیامبر اکرم (ص) می باشند.^{۱۶} در دیگر روایتی که گفتگوی امام رضا (ع) و مأمون را حکایت کرده است، مأمون پرسید:

«هل فضل الله العترة على سائر الناس؟» آیا خدا، عترت را بر سایر مردم برتری داده است؟

امام رضا (ع) فرمود: خداوند برتری عترت بر سایر مردم را در آیات محکمش علنی کرده است. مأمون گفت: آن آیات چیست؟ امام رضا (ع) فرمود: «ان الله اصطفى آدم...»^{۱۷} از امام باقر (ع) روایت شده که آن حضرت آیه شریفه «ان الله اصطفى... ذرية بعضها من بعض» را قرائت کرد و فرمود «نحن منهم و نحن بقية تلك العترة» ما از آن ذریه هستیم و ما بقیه آن عترت.^{۱۸}

۷. أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا نَابِثٌ وَ فَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ.

(ابراہیم: ۲۴)

آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» و [گفتار پاکیزه] را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] نابت، و شاخه آن در آسمان است.

با استناد به روایتی که در تفسیر آیه شریفه وارد شده، امام حسین (ع) از مصادیق بارز آیه شریفه یعنی شجره طیبه به شمار می آیند.

عمر و بن حریت می گوید: از امام صادق (ع) در مورد آیه «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ...» پرسیدم. فرمود: «رَسُولُ اللَّهِ أَصْلُهَا، وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَرَعُهَا، وَالْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا أَغْصَانُهَا، وَ عِلْمُ الْأَئِمَّةِ ثَمَرُهَا وَ شِبَعَتُهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ رَفَقُهَا» رسول خدا (ص)، اصل آن و امیر مؤمنان (ع)، فرع آن و امامان از ذریه آن حضرت، شاخه‌های آن و دانش ائمه ثمره آن و شیعیان مؤمن، برگ‌های آن [درخت پاکیزه] هستند.^{۱۹}

۸. وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِرَبِّهِ سُلْطَانًا.

(اسراء: ۳۳)

و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم.

حرمت قتل نفس و احترام خون انسانها در همه شرایع آسمانی آمده است، و آن را یکی از بزرگ‌ترین گناهان شمرده‌اند. یکی از خونهایی که مظلومانه ریخته شد، خون اباعبدالله الحسین (ع) و اصحاب او بود. روایات فراوانی وجود دارد که آیه فوق را بر امام حسین (ع) تطبیق داده‌اند.

امام صادق (ع) فرمود:

قَتَلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ، فَقَدْ قَتَلُوا الْحُسَيْنَ (ع) فِي أَهْلِ بَيْتِهِ؛^{۲۰}

کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده بود، کشتند. هر آینه حسین بن علی (ع) را در میان خانواده‌اش به قتل رساندند.

همچنین در روایتی دیگر فرمود: آیه شریفه در مورد حسین (ع) نازل شده است.^{۲۱}

سلام بن مستنیر از امام باقر (ع) در مورد آیه «وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً...» فرمود: «هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) قُتِلَ مَظْلُوماً وَنَحْنُ أَوْلِيَاؤُهُ وَالْقَائِمُ مِنَّا إِذَا قَامَ طَلَبُ بَشَارِ الْحُسَيْنِ (ع)»؛ او حسین بن علی است که مظلوم کشته شد و ما ولی او هستیم و قائم ما وقتی قیام کند به خونخواهی حسین (ع) اقدام می‌کند.^{۲۲}

۹. وَيُطْعَمُونَ الْأَطْفَالَ عَلَىٰ حَبِّهِ مَسْكِينًا وَبَيْتًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (انسان: ۸-۹)

و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند (و می‌گویند) ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم؛ و هیچ پاداشی و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.

ابن عباس می‌گوید: حسن و حسین (ع) بیمار شدند، علی و فاطمه و فضه (خادمه آنان) نذر کردند اگر آنها شفا یابند سه روز روزه بگیرند، طبق برخی روایات حسن و حسین (ع) نیز گفتند: ما هم نذر می‌کنیم روزه بگیریم.^{۲۳} آن دو بزرگوار شفا یافتند و خانواده علی (ع)، از لحاظ مواد غذایی دستشان خالی بود، امام علی (ع) سه من جو قرض نمود و فاطمه یک سوم آن را آرد کرد و نان پخت، به هنگام افطار مستمندی به در خانه آمد، آنان همگی سهم خود را به او دادند، و با آب افطار کردند. شب دوم یتیمی به در خانه آمد و تقاضای کمک

کرد، آنان همه نان خود را به او دادند و شب سوم اسیری در خانه را کوید و همه سهم غذای خود را به او دادند و با آب افطار کردند. صبح هنگام علی(ع) دست حسن و حسین(ع) را گرفت و خدمت پیامبر(ص) برد در حالی که از گرسنگی می لرزیدند. رسول خدا(ص) با دیدن آنان بسیار ناراحت شد. به خانه فاطمه(س) آمد، دید در حال عبادت است و بی رمق. در این حال جبرئیل نازل شد و سوره هل اتی را بر آن حضرت نازل کرد.^{۲۴}

۱۰. کهیصص (مریم: ۱)

از حضرت ولی عصر(ع) از تأویل این آیه سؤال شد، فرمود «هذه الحروف من آتباء الغیب اطلع الله علیها عبده زکریا، إلى أن قال: فانباه الله تبارک و تعالی عن قصته. فقال «کهیصص» فالكاف اسم كریلاء والماء هلاك العترة [الطاهرة] والياء يزيد و هو ظالم الحسين(ع) و العين عطشه والصاد صبره»^{۲۵}

این حروف از اخبار غیبی است که خدا بنده اش زکریا را بر آن آگاه کرده است، تا آنجا که فرمود: پس خداوند داستان او (حسین(ع)) را برایش بازگو نمود و گفت: «کهیصص»، «کاف» نام کربلاست، «هاء» هلاکت خاندان پاک اوست، «یاء» یزید آن ستمکار بر حسین(ع)، «عین» عطش و «صاد» صبر او است.

۱۱. أُوذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. (حج: ۳۹)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند، و خداوند بر یاری آنها تواناست.

امام باقر(ع) در باره آیه شریفه فرمود: مراد علی و حسن و حسین(ع) هستند.^{۲۶}

۱۲. اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ كَمِشْكَاتٍ فِيهَا مُصْبِحٌ أَلْمُصْبِحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ. (نور: ۳۵)

خداوند نور آسمانها و زمین است، مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد، آن چراغ در حبیبی قرار گیرد، حبیبی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان.

در برخی روایات آیه شریفه به امیر مؤمنان(ع)، فاطمه زهرا(س)، امام حسن و امام

حسین(ع) تفسیر شده است.^{۲۷}

امام صادق (ع) فرمود: مراد از «مشکوة» فاطمه (س)، و «مصباح»، حسن (ع) و «زجاجة» حسین (ع) می باشد.^{۲۸}

۱۳. وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ. (زخرف: ۲۸)

و آن را کلمه‌ای پاینده در نسل‌های بعد از خود قرار داد.

از امیر مؤمنان (ع) روایت شده که فرمود:

وَ فِينَا نُزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «و جعلها...» وَالْإِمَامَةُ فِي عَقَبِ الْحُسَيْنِ (ع) إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^{۲۹}

این آیه درباره ما نازل شده است، یعنی امامت در نسل حسین (ع) تا روز قیامت پاینده است.

۱۴. وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ

شَهْرًا. (احقاف: ۱۵)

ما به انسان سفارش کردیم به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناخشنودی حمل نمود و با ناراحتی بر زمین گذاشت و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است.

امام صادق (ع) فرمود:

لَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَيْنِ (ع) جَاءَ جِبْرِئِيلُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ سَتَلِدُ غُلَامًا تَقْتَلُهُ

أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَلَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَيْنِ كَرِهَتْ حَمْلَهُ وَحِينَ وَضَعَتْهُ كَرِهَتْ وَضَعَهُ. ثم قال:

ابوعبدالله: لم تر في الدنيا أم تلد غلاماً تكرهه و لكنها كرهته لما علمت إنه سيمقتل. قال: و فيه

نزلت هذه الآية: «و وصينا الانسان...»^{۳۰}

چون فاطمه (س) به حسین (ع) باردار شد. جبرئیل (ع) نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: از

فاطمه (س) به زودی پسری به دنیا می‌آید که امتت بعد از تو او را می‌کشند. از این رو

هنگامیکه فاطمه (س) به حسین (ع) بار دار شد، از بارداریش ناخشنود بود و زمان زایش هم

به دنیا آمدن فرزندش را خوش نمی‌داشت.

سپس امام صادق (ع) فرمود:

در دنیا مادری دیده نشده که پسری به دنیا آورد و از این پدیده ناخشنود باشد. اما علت

ناخشنودی فاطمه (س) آگاهی او به کشته شدن فرزندش در آینده‌ای نزدیک بود. و فرمود:

این آیه (و وصينا الانسان...) در همین مورد نازل شده است.

۱۵. مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ *... * يَخْرُجُ مِنْهَا الْكُلُوبُ وَالزَّجَانُ.
(الرحمن: ۱۹-۲۲)

دو دریا را کنار هم قرار داد در حالی که با هم تماس دارند. میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی‌کند... از آن دو دریا مروارید و مرجان بیرون می‌شود.
امام صادق(ع) در تفسیر آیه فرمود:

عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ(ع) بَحْرَانِ مِنَ الْعِلْمِ عَمِيقَانِ لَا يَبْغِي أَحَدُهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ «يَخْرُجُ مِنْهَا الْكُلُوبُ وَالْمَرْجَانُ»: الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ(ع).^{۳۱}

علی و فاطمه(ع) دو دریای ژرف و لبریز از دانش هستند که یکی بر دیگری طغیان نمی‌کند.
از آن دو دریا در و مرجان خارج می‌شود یعنی حسن و حسین(ع).

۱۶. يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ * أَزْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً. (فجر: ۲۷- ۲۸)
ای نفس آرام یافته به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است.

امام صادق(ع) فرمود: «إِقْرَأُوا سُورَةَ الْفَجْرِ فِي قِرَائَتِكُمْ وَ تَوَافَلِكُمْ فَاتَّهَا سُورَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ(ع) وَ أَرْغَبُوا فِيهَا رَحِمَ اللَّهِ تَعَالَى؛ سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید که آن سوره حسین بن علی(ع) است. و بدان تمایل و رزید (تا) خدا شما را مورد رحمت خود قرار دهد. ابواسامه که در مجلس حاضر بود پرسید: چگونه این سوره به حسین(ع) اختصاص یافته است؟ امام(ع) در پاسخ فرمود: «آیا سخن خدا را نشنیدی که فرمود: «يا ايها النفس المطمئنة...» منظور از نفس مطمئنه، حسین بن علی(ع) است که دارای روح آرام یافته‌ای است که هم او از خدا و هم خدا از او خشنود است.^{۳۲}

ابوبصیر از امام صادق(ع) نقل می‌کند که «يا ايها النفس المطمئنة... یعنی الحسين بن علي(ع)»^{۳۳}

۱۸. وَتَعْلَنَ عُلُوًّا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ. (اسراء: ۴-۵)

و برتری جویی بزرگی خواهید نمود، هنگامی که نخستین وعده فرارسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما می‌انگیزیم (تا شما را سخت درهم کوبند؛ حتی برای به دست آوردن مجرمان)، خانه‌ها را جستجو می‌کنند، و این وعده‌ای است قطعی!

از امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه روایت شده که فرمود: «وَلْتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» یعنی کشتن حسین بن علی، «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُنَا» یعنی هنگامی که زمان یاری حسین بن علی (ع) فرا رسد. گروهی برمی‌انگیزانیم و اینان قومی هستند که خداوند قبل از قیام قائم آنان را بر می‌انگیزد.^{۳۴}

۱۸. وَقَدْ يَنَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ (صافات: ۱۰۷)

و ما قربانی بزرگی را فدای او (اسماعیل) کردیم.

ابن قتیبه از فضل روایتی از امام رضا (ع) را چنین نقل می‌کند: از امام رضا (ع) شنیدم که فرمود: خدای عزیز و بزرگ به ابراهیم (ع) امر نمود که به جای فرزندش اسماعیل گوسفندی را که خدا برایش فرستاده بود قربانی کند، و ابراهیم درخواست نموده بود که فرزندش اسماعیل را با دستش ذبح کند، و اگر به کشتن گوسفند امر نمی‌شد همین کار را می‌کرد، تا آن داغی را که به قلب پدری که عزیزترین فرزندانش را با دست خود قربانی نموده، به دل او هم وارد شود و سزاوار درجات اهل ثواب بر بلاها گردد.

خداوند به او وحی کرد: ای ابراهیم از آفریدگام چه کسی را بیشتر دوست داری؟ او گفت: پروردگارا! کسی را نیافریدی که از دوستت محمد (ص) محبوب‌تر باشد.

خداوند فرمود: او را بیشتر دوست داری یا خود را؟ گفت: او را بیشتر از خود دوست دارم. فرمود: فرزند او نزد تو محبوب‌تر است یا فرزند خودت؟ گفت: فرزند او. فرمود: کشته شدن فرزند او به ستم و ظلم به دست دشمنانش دل تو را بیشتر به درد می‌آورد یا کشته شدن فرزندت به دست خود در راه اطاعت از من؟

عرض کرد: پروردگارا! کشته شدن او به دست دشمنانش قلب مرا بیشتر به درد می‌آورد فرمود: ای ابراهیم! گروهی که گمان می‌کنند که از امت محمد (ص) هستند به زودی بعد از او دست به خون فرزندش آغشته می‌سازند و او را به ستم چون گوسفندی ذبح می‌کنند و بدین وسیله موجب خشم من خواهند شد. ابراهیم (ع) بی‌تاب شد و دلش به درد آمد و گریست. خدای بزرگ و بلند مرتبه به او وحی کرد: ای ابراهیم! فدیه بی‌تابی بر فرزندت اسماعیل - اگر او را قربانی می‌کردی - به اندوهگینی ات بر حسین (ع) و کشته شدنش برابر گشت، و برای تو بلندترین درجات اهل ثواب بر مصیبت‌ها خواهد بود. و آن سخن خدای

عزوجل است که فرمود: و فديناه بذبح عظيم.^{۳۵}

پی‌نوشتها:

۱. فقال: علی و فاطمة و ابناهما. (الغدیر، عبدالحسین احمد امینی نجفی، ج ۲، ص ۳۰۷، دارالکتب العربی، بیروت، چهارم، ۱۳۹۷ هـ - ۱۹۷۷ م)
۲. تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، (چاپ جامعه مدرسین)، ج ۲، ص ۴۶۲.
۳. همان، ص ۴۶۶ - ۴۶۷.
۴. ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۶۵ - ۴۷۷.
۵. پرتوی از عظمت حسین (ع)، آیه‌الله صافی، (کتابخانه صدر، تهران، دوم، بی‌تا) به نقل از صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰؛ مصابیح السنة، ج ۲، ص ۲۷۸؛ ذخائر العقبی، ص ۲۴.
۶. همان، به نقل از: ذخائر العقبی، ص ۲۴؛ العمدة، ص ۲۵. روایات دیگر از ام سلمه و... را می‌توانید در تفسیر المیزان (مترجم) ج ۱۶، ص ۴۶۳ - ۴۷۷ ملاحظه کنید.
۷. همان.
۸. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۳۸ - ۴۴۰.
۹. ر.ک: نمونه، ج ۲، ص ۴۴۰ - ۴۴۲.
۱۰. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۸۶.
۱۱. ر.ک: المیزان، مترجم، ج ۳، ص ۳۵۴ و پرتوی از عظمت حسین (ع)؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۴۳.
۱۲. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۲۹.
۱۳. روی فی تفسیر قوله تعالی: «فتلقى آدم من ربه كلمات» انه رای ساق العرش و اسماء النبی و الائمة علیهم السلام، فلقنه جبرئیل علیه السلام. قال یا حمید بحق محمد، یا عالی بحق علی، یا فاطر بحق فاطمه، یا محسن بحق الحسن و الحسين و منک الاحسان، فلما ذکر الحسین (ع) سألت دموعه و انخسع قلبه، و قال: یا اخی جبرئیل فی ذکر الخامس ینکسر قلبی و تسیل عبرتی؟ قال جبرئیل: ولدک هذا یصاب بمصیبة تصغر عنده المصائب فقال: یا اخی و ماهی؟ قال: یقتل عطشاناً غریباً و حیداً فریداً لیس له ناصر و لا معین، و لو تراه یا ادم و هو یقول: واعطشاه! و اقله ناصراه حتی یحول العطش بینه و بین السماء کالدخان، فلم یجبه احد الا بالسیوف و شرب الحتوف، فیذبح ذبح الشاة من قناه، و ینهب رحله اعداؤه و تشهر رؤوسهم هو و انصاره فی البلدان، و معهم النسوان، کذلک سبق فی علم الواحد المتان، فبکی آدم و جبرئیل (ع) بکاء التکلی. (عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۷، ص ۱۰۴؛ تحقیق و نشر مدرسه امام مهدی، زیر نظر محمد باقر ابطیحی، ۱۴۰۵ هـ).
۱۴. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاحوال، عبدالله بحرانی اصفهانی، زیر نظر سید محمد باقر ابطیحی اصفهانی (تحقیق و نشر مدرسه امام مهدی، قم، اول ۱۳۶۳)، ج ۱۵، ص ۱۰.
۱۵. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۹۰.
۱۶. محمد بن اشعث... فقال: یا حسین بن فاطمة اية حرمة لک من رسول الله لیست لغیرک؟ فتلا الحسین هذه الایه؟ ان الله اصطفی... ثم قال... «والله ان محمداً من آل ابراهیم، و ان العترة الهادية لمن آل محمده» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۷)
۱۷. المیزان، ج ۳، ص ۱۶۸ به نقل از عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۰، ح ۱، باب ۲۳.
۱۸. همان به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸، ح ۲۹.
۱۹. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۲، ح ۸۰، بیروت؛ المیزان، ج ۱۲، مترجم، ص ۸۹ و ۹۰. در تفسیر المیزان روایات دیگری آمده که به همین روایت بسنده کردیم.
۲۰. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۸ به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰.
۲۱. همان، ص ۲۱۹ به نقل از روضه کافی، ص ۲۵۵.
۲۲. همان، ص ۲۱۸، به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲۳. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۴.
۲۴. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۴.
۲۵. عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۷، ص ۱۰۷-۱۰۸.
۲۶. قال: ... علی و الحسن و الحسین (ع) (عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۷، ص ۶۰۹).
۲۷. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۸۵ به نقل از نورالثقلین، ج ۳، ص ۶۰۲.
۲۸. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۳۳.
۲۹. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۹۳.
۳۰. کافی، ج ۱، ص ۴۶۴.
۳۱. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۶۶.
۳۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۸-۲۱۹.
۳۳. همان به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم.
۳۴. عن ابی عبدالله (ع) فی قوله الله عزوجل: «و لتعلن علواً کبیراً» «قتل الحسین بن علی (ع)» «فاذا جاء وعد اولیهم» قال: «اذا جاء نصر الحسین بن علی» بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بأس شدید فی سوا خلال الدیار» قوماً یبعثهم الله قبل قیام القائم (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۷).
۳۵. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۵-۲۲۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی